

باختر امروز

مؤسس: شادروان دکتر سید حسین فلمی
شهره سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
« بخش خاورمیانه »

انتشارات جدید:

- از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه جزوات و کتابهای زیر انتشار یافته اند:
- ★ خاطرات یک چریک در زندان نوشته چریکهای فدائی خلق
- ★ زندگی و مبارزه هوشی مین
- ★ متن دفاعیه مبارز شهید هوشنگ توکل از گروه جاوید آرمان خلق و گزارش چریکهای فدائی خلق از مبارزات دانشجویان تبریز
- ★ ما توپماروها (جلد اول)

« جریة باختر امروز »
نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد السابع والاربعون
السنة الرابعة
تشرين الثاني ۱۹۷۲
الرحلة الرابعة

آبان ۱۳۵۲

دوره چهارم

شماره ۴۷ - سال چهارم



اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۱۵

فرار مجاهدین از زندان

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت الناس يدخلون في دين الله افواجا
هنكამيكه باری خدا و خورشید پیروزی نمایان شد
خواهی ادب که خاتمه چگونه دسته دسته براه حق
رو میکنند .

— قرآن ، سوره نصر —

هموطنان عزیز و مبارز

شامگاه روز جمعه ۱۴ اردیبهشت دوتن از انقلابیون افسر ، برادر مجاهد محمد تقی شهرام و رفیق مبارز حسین عزتی توانستند با شرکت همکاری پیدریغ یکی از فرزندان برومند و شجاع خلق ایران ستوان یکم امیر حسین احمدیان افسر شهرستانی طبق یک نقشه دقیق و فوقالعاده جالب از تبعیدگاه و زندان مقول ، زندان شهرستان سلمی ، فرار کنند . انقلابیون مذکور در جریان هجوم و حشيانه پلیس به نیروهای مبارز و گشتار و شکنجه انقلابیون در شهرپور ۵۰ همواره صدها تن دیگر باسارت مزدوران شاه در آمدند . اما اکنون برادر مجاهد ما همراه این افسر دلیر و آزاده ، پیروزمند و سالم با مقادیر معتنابهی سلاح و مهمات و مدارک اطلاعاتی از دشمن به صفوف برادران مجاهدش پیوسته است .

این عملیات در دو قسمت شروع و خاتمه یافت . قسمت اول از ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه جمعه ۱۴ اردیبهشت در زندان مرکزی سلمی شروع گردید و طبق یک نقشه کاملاً دقیق و متهورانه کلیه مأمورین مسلح زندان خلع سلاح شده و بلاستگیری ۱۴ مأمور نگهبان ، زندان در اشغال انقلابیون در آمد و قسمت اول این عملیات با خروج از زندان و قطع شبکه ارتباطی زندان با شهرستانی کل در ساعت یک و ۳۰ دقیقه یامداد ۱۵ اردیبهشت پایان یافت .

در قسمت دوم انقلابیون توانستند با آز میان بردن کلیه آثار و علائم و با ایجاد ردبهای افغان بقیه در صفحه ۴

جنگ محدود ؟

تاکتیک « جنگ محدود » در عمل در خدمت استراتژی سیاست

سازشکارانه مرتجعین قرار میگیرد .

هر دولته عربی مجبور بود که بنحوی در ارضاء این دو خواست بکوشد یا تظاهر به کوشش کند . البته در کنار این دو مسئله ، مسائل بسیار دیگری نیز برای هر یک از دول عربی وجود دارد که بر حسب ماهیت و وابستگی این دول متفاوتند . برای طبقه حاکمه مصر و سوریه ، اقدام برای ارضاء این خواستها ، جنبه حیاتی داشت . چه آنها نه از پشتیبانی همه جانبه هیچ قدرت خارجی بهره داشتند و نه از حمایت افکار عمومی . نقطه اتکاء و در حقیقت مولاکین آنها ، یعنی پرورزایی و اقتشاری از خرده پرورزایی ، ضعیف تر و بریشان تر از آن بودند که بتوانند به تنهایی حاکمیت آنها را برای مدت طولانی تضمین کنند . بنابر این طبقات حاکم و نمایندگان آنها یعنی سلاطات و اسد و

بقیه در صفحه ۲

اوضاع فعلی خاور میانه ، شرایط آتشسوزی مل و انفجالات خاتمه نیافته‌ای که در منطقه بشدت حال انجام است ، در کنار ناشناخته ماندن بسیاری عوامل مهم که در شروع و خاتمه جنگ نقش ستاند ، قضاوت همه جانبه و قطعی را در مورد بسیار مشکل میسازد . باید دید که در پرتو بع اخیر کدلفیک از ثنوریهای گذشته صدق خود ثابت کرده‌اند و یا چه قسمت‌هایی از آنها احتیاج غیر دارد . بتدریج با روشن شدن همه نکات ک و مبهم خواهیم توانست به تحلیلی صحیح‌تر همه جانبه‌تر برسیم . فعلاً به بیان نکاتی و راتی چند قناعت میکنیم .

چه نیروهایی قبلاً از شروع جنگ و نقشه‌های اطلاع داشته‌اند ؟ در ابتدا ممکن بود برای عده‌ای توهم بوجود آید که چند رئیس دولت عربی از کسب قدرت لازم ، بالاخره با همکاری با بکر برای اعاده حیثیت و کسب زمین‌های از ست رفته خویش ، به جنگ میادرت کرده‌اند . اکنون ثابت شده است که نه چند ، بلکه چندین نعره‌ی منجمله اردن و عربستان سعودی و (علاوه بر مصر و سوریه) و نیز شسوری و کا از در شرف وقوع بودن جنگ مطلع بوده‌اند . برتو این واقعیت است که باید دید چه عاملی با شده است که اینهمه دولت ، با منافع و نقطه ای متفاوت ، خواهان آن بوده باشند . چون است که اگر غیر از این میبود میتوانستند با کردن طرح ، آنرا متوقف کنند . بهیارت دیگر دید این جنگ چه فوایدی برای هر یک از این نا داشته است .

در مورد اعراب ، باید توجه داشت که افکار عرب ، بخصوص به دو مسئله حساسیت . اول ، اقدام برای کسب حیثیت و از بین آثار سر افکندگی شکست های پیشین . مسئله بخصوص با عملیات گستاخانه اسرائیل جام آرتیست بازیهای جیمز بانسی و انجام های جسورانه در کشورهای عربی (کشتار ان فلسطینی ، سرتگون کردن هواپیماهای زهری لیبی ، حملات مکرر به جنوب لبنان ، ..) اعراب اهمیت فوق‌العاده داشت . دوم ، پس اراضی اشغالی .

اخبار

- ★ آقای محمد سرعتی را سه ماه در زندان اوین شکنجه داده و سپس بسلول انفرادی منتقل کرده‌اند . در اثر شکنجه لطمات بدنی شدیدی پا وارد شده است و قادر پراه رفتن نمیشد . او متهم است که با سازمان مجاهدین خلق همکاری داشته است .
- ★ آقای اکبر معینی دانش آموز جوان در اصفهان را بجرم پخش دفاتیات مهدی رضائی در زندان اوین بشدت شکنجه داده‌اند و لی او دلاورانه مقاومت ورزیده است بطوریکه مورد احترام تمام زندانیان و زندانبانان میباشد .
- ★ مباشری یکی دیگر از هم میهنان مبارز را بجرم همکاری با سازمان مجاهدین در شکنجه‌گاه اوین بشدت شکنجه نموده‌اند . جلادان رژیم تصور میکنند که او از مخفی گاه مبارزین مطلع میباشد ولذا بطور متناوب او را تحت شکنجه قرار میدهند .

★ آیت الله طالقانی « پسر عموی آیت الله سید محمود طالقانی » که پیش‌نشان یکی از مساجد خیابان فردوسی میباشد ، بجرم حمایت از

بقیه در صفحه ۳

این حق مسلم تودوست که خشونت پیراییم با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه - جنگ محدود

یونان ، مجبور به اتخاذ تدابیری برای تحکیم موقعیت خود بودند . حالت خاص « نه جنگ و نه صلح » برای همیشه نمیتوانست دوام بیاورد و از طرفی وضع عمومی آنها و کشورهای عربی هم چنان بود که آنها بدون مقدمه پس از گذشت ۶ سال از جنگ ۱۹۶۷ نمیتوانستند برای تثبیت وضع خود وارد مذاکره و سازش شوند . برای سازش احتیاج به حد اقل قدرت است . و سادات و اسد این قدرت را نداشتند و در صورت اقدام به آن از بین میرفتند . بنابراین میبایستی ابتدا بطرفی کسب پرستیژ میکردند و این کار فقط از طریق « یک برد محدود » میسر بود . ممکن است برای بعضی این سؤال مطرح شود که چرا تصور نمیشود که آنها میخواستند صادقانه با اسرائیل صهیونیست در بیفتند . در جواب باید گفت که وقایع نشان دادند که چنین قصدی در میان نبوده است و از ابتدا ، هدف « جنگ محدود » و قدرتمندی بوده است . قزافی رئیس جمهور لیبی که قبلا با او در مورد برنامه و اهداف جنگ - و نه زمان آن - صحبت شده بود ، روز اول جنگ اعلام داشت که با برنامه هدفهای محدود و استراتژی جنگ مخالف است . زبیر وزیر خارجه مصر زمان شروع جنگ اعلام کرد که مصر جنگ را شروع کرده است چون برای مصر ضرورت حیاتی داشت و گرچه به پیروزی خود در ادامه جنگ مطمئن نیستیم . حوادث بعدی منجمه عدم تجهیز دو سوم ارتش مصر ، تحمل وجود ارتش اسرائیل در غرب کانال سوئز و در چند کیلومتری قاهره و عدم اقدام به کوچکترین کوشش برای مقابله با آن ، همه نشان میدهند که هدف مصر (و نیز سوریه) محدود به همین برد مشروط و سپس نقضن این میز مذاکرات بوده است . (در یک مورد حتی فرماندهان نظامی مصر و اسرائیل مستقیما ملاکزه کردند - که در حقیقت آگاهانه موجودیت اسرائیل را برسمیت شناختن است - این چیزی است که مصر و کشورهای عربی سابقا همیشه از آن سر باز زده بودند . در اینجا فقط پس از اعتراض وسیع مردم عرب سادات مجبور به عقب نشینی شد و اظهار داشت که مستقیما با اسرائیل وارد مذاکره نخواهد شد . ولی اینهم درامی نیابود و اخیرا با قبول طرح ۶ ماده ای کی سینگر ، حاضر شده است که زیر پرچم سازمان ملل (۱) با اسرائیل وارد مذاکره مستقیم - و به عبارتی برسمیت شناختن اسرائیل - شود . نکته گویا در اینجا اینست که در همه صحبتها سخنی از اصل مسئله موجودیت دولت صهیونیستی اسرائیل مسئله ای که اصل و اساس جنگهای متعدد اعراب و اسرائیل بوده است نیست . سادات در ابتدا یادی از حقوق خلق فلسطین کرد ولی در تمام صحبتهای بعدی - و بخصوص در طرح کی سینگر - سخن از مسئله ای که نیست ، از خلق فلسطین است . تمام هم و غم مصر و سوریه ، مسئله زمین های اشغالی سال ۶۷ شده و اصل مسئله بدست فراموشی سپرده شده است .

انگیزه های دول کمابلا وابسته ای مانند عربستان سعودی و اردن را باید علاوه بر نکات فوق در رابطه مستقیم با خرابست امریکا دید . این دول وابسته تر و دست نشانده تر از آنند که حق و امکان جسارت به ساحت منافع امریکا داشته باشند و برای اینکه تصور نشود که احتمال دارد این کشورها تحت تأثیر « ناسیونالیسم » عربی اقداماتی کرده باشند یادآوری میکنیم که اردن اظهار داشت که بخاطر عدم قدرت به چپه شرقی اسرائیل حمله نمیکند بلکه تعدادی از قوای خود را از طریق سوریه به جنگ اسرائیل میفرستد و همه ما با شگفتی شاهد این بودیم که اسرائیل هم از شرق به اردن حمله نکرد . اردن رسما میگوید که چپه من در این نقطه ضعیف است . اسرائیل هم چنین وار به نقطه ضعیف حمله نمیکند ! ساخت و پاخت عیان تر از آنست که احتیاج به توضیح داشته باشد . همانطور که گفتیم این کشورها از یکطرف مجبورند که بخاطر فریب افکار عمومی در جنگ شرکت کنند . از طرف

دیگر برای نشان داده شدن فوائد دست نشاندهی امریکا از حمله اسرائیل مصون میمانند . برای امریکا اما مسئله انگیزه های متعدد دیگری دارد . مسئله بحران انرژی که تا یکی دو سال قبل صحبتی از آن نمیشد ، الان به درجه ای رسیده است که نتایج آن برای مردم عادی نیز ملموس شده و بیش از این قابل سرپوشی نبود . احتیاج شدید امریکا به اروپا به نفت خاورمیانه ، امریالیسم را وادار میکند که در این منطقه اوضاع را تثبیت کند . امریکا به سهولت میدید که « نه صلح و نه جنگ » یعنی امکان وقوع جنگ در هر لحظه - حتی در لحظه ای هم که به منافع امریکا لطمه شدید بزند . بنابراین میبایست تا دیر نشده چاو وخیم شدن وضع را گرفت و اوضاع را تثبیت کرد .

طرح امریکا برای تثبیت وضع یکی تقویت نیروهای ارتجاعی و سرکوبی نیروهای مترقی بود که ما در گذشته بخصوص در مورد نظر امریکا در تقویت شاه مطالبی نوشته بودیم . ولی این کار به تنهایی نمیتوانست آتشی را که در درون اعراب به دلالتی که گفتیم زیاده سیکشید خاموش کند . با اعمال خشونت ممکن است بتوان وقتا مردم را ساکت کرد ولی این سکوت دیرپا نخواهد بود . لذا امریالیسم لازم میدید که اسرائیل را وادار کند که بنحوی از تحریکات و لجاجت خرد بکاهد و لااقل قسمتی از سرزمین های اشغال شده را پس بدهد . حداقل این بود که امریکا جلوگیری مستقیم بیشتر از کوشش حکومت های عربی در ارضاء پارهای از خواسته های مردم را به زبان خود میدید . همانطور که قبلا نیز ذکر کرده بودیم امریکا اسرائیل را در ابتدا بعنوان پایگاهی برای نفوذ بیشتر در خاورمیانه میخواست ولی اکنون که وضع بدین صورت در آمده است که منافع افراطی جناح های در اسرائیل (جناح هایی که ابتدا حاضر به پس دادن زمین ها نبودند) با منافع امریکا در تثبیت وضع و ادامه جریان نفت متناقض شده است ، امریکا دلیلی نمیبیند که بعضی از این جناح ها را قربانی منافع خود نکند . همینجاست که سببیم با وجودی که دهها سال است صهیونیستها نفوذ و کنترل عجیبی بر امریکا داشته اند تاکنون آقای فولبرایت رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا لازم میبیند از این « خطل » صحبت کند . البته نباید این تصور باطل پیدا شود که امریکا اسرائیل را تنها خواهد گذاشت . ابتدا عملی که امریکا میکند ، کنترل اسرائیل در جهت منافعش اقتضا میکند .

نقش شوروی بعنوان منازع امریکا در جهت جلب اعتماد دول عربی است . این سیاست در این جنگ بصورت حمایت همه جانبه از این حکومتها بیشتر ظاهر شد ولی اینرا نباید به جهت حمایت از مترقی ترین نیروهای خلق عرب یکی گرفت . تقویت این دول در جنگ علیه اسرائیل از تقویت موضع آنها در داخل که خواست نیروهای انقلابی نیست جدا نمیشد . البته هنگامی که جنگ شروع شد حمایت از دولی که علیه اسرائیل میجنگند درست بود و این کار در این حد شوروی انجام داد ولی تنها این نکته را دیدن ناشی از یک دایه ساکن و جامد است . مثل اینست که تصور شود که قضا با سببستی بطور اجتناب ناپذیری باین جهت برسد که دولی بر سر کار باشند که نماینده انقلابی ترین خواسته های خلق نباشند و بعد چاره ای جز دفاع از این دول در مقابل اسرائیل نباشد . کسانی که وضع کشورهای عربی را میداند آگاهند که فاصله بین نیروهای مترقی این جوامع و دول فعلی تا چه اندازه بصیق است و چگونه ترسیدن کمک موثر به نیروهای انقلابی ، آنها را در مقابل دولی که دائمی حمایت میشوند تضعیف کرده است .

طرح یک مسئله دیگر نیز ضروری است و آن اینکه شوروی در مخالفت خرد با امریکا حاضر است تا چه حد پیش رود ؟ توسعه روابط اقتصادی شوروی و جوامع غرب در چند سال گذشته وضعی را بوجود آورده است که شوروی بر خلاف گذشته نمیتواند شاهد رکود اقتصادی غرب بماند چون اثرات آن بر خود جامعه شوروی نیز سنگینی خواهد کرد . این نکته بسیار مهمی است که باید بطور علمی

مورد بحث جدی و عمیق و خالی از تعصب چپروانه و راست گرایانه قرار گیرد و وظیفه همه نیروهای انقلابی است که در این مورد تحلیل (و نه ضرفا اظهار نظر) داشته باشند ، بسیاری از حوادث جهان در سالهای آینده وابسته به حد صحت و میزان تعمیم آن است .

در مورد آتش بس و بالاخره طرح کی سینگر نیز باید گفت که وقایعی که منجر به آنها شد ، نحوه انجام آنها ، شیادی امریکا در دادن آماده باش ، این مسئله که دول عربی فوق و اسرائیل آتش بس را به اصطلاح « یا با عقب میزدند و یا دست به پیش میکشیدند » نکات فوق العاده مهمی دارد که همه آنها بر ما روشن نیست و نمیتوانیم در باره آنها اظهار نظری کنیم جز اینکه اینها در جمع همه در تأیید اعلان هدف « جنگ محدود » و اجتناب از درگیری همه جانبه بود .

از نتایج آتی این جنگ یکی تقویت روحیه اعراب ، اعاده حیثیت و رهائی از سرانگندگی شکستهای قبلی بود که امری بسیار مهم و ضروری برای هر مبارزه آینده است . دیگری فرو نشاندن گستاخی نفرت انگیز اسرائیل است که باز مسئله ایست بسیار مهم . دیگر قهایش عربان همکاری امریالیسم و صهیونیسم است که گرچه بارها نشان داده شده بود ولی بظنر میرسد که برای بعضی از نیروها باز هم لازم بود نشان داده شود . نتیجه مهم دیگر ، نمایان شدن و فاش شدن چهره های سازشگر در میان صفوف سازمانهای فلسطینی است که با کسب امتیازات محدود ارضاء شده و میخواهند امر مبارزه را تیمه تمام با سازش قیصله دهند و بجای دنبال کردن هدف اعلام شده انقلابی که استقرار دولت دموکراتیک در فلسطین ، بنحوی که بپروان همه مذاهب و فرق و آرمانها ، از تمام ملیتها بتوانند در کنار هم زندگی کنند و پایگاه امریالیسم و صهیونیسم از میان برداشته شود متن آن بود ، به سازش و گرفتن قطعه زمینی قناعت کنند .

تقویت حکومت های سادات و اسد ، دست آنها را در سازش های آینده با زنی خواهد کرد . این نکته ایست که لبه تیز این مستقیما متوجه نیروهای انقلابی منطقه خواهد شد . نفوذ ملیک سعودها با چک های یک میلیارد دلاری هم اکنون بصورت گماشتن وزیر در کابینه دول دیگر و اعمال نظر مستقیم افزوده شده است ، و اینها در کنار نتایج خوبی که جنگ داشت ، از نتایج بد آنست . در اینجا بی مناسبت نمیدانیم که تذکری نیز به نقش شاه در این میان بدهیم . شاه دشمن شناخته شده خلق عرب و متحد اسرائیل ، در این ماجرا خواستار خروج اسرائیل از سرزمین های اشغالی جنگ ۶۷ بود . ولی برای اینکه دیده شود چگونه نقطه حرکت های مختلف ممکن است خواستار عمل واحد باشند توجه را به مصاحبه شاه با نوک و ایلان روزنامه نگاران امریکایی جلب میکنیم . این دو در هالک تریبون . مینویسند که شاه که از اتحاد اعراب میترسد مایل است که اسرائیل از زمین های اشغالی اخیر خارج شود تا دلیلی برای اتحاد اعراب باقی نماند . ببینید که این پاسبان امریالیسم چگونه خواسته های امریالیسم امریکا را در قالب ایرانی نما جا میزاند و چگونه یک انگیزه کیفی هم میتواند در ظاهر بصورت طرفداری از عقب نشینی اسرائیل و حمایت از اعراب جلوه کند . هم امروز اعلام شد که شاه ظرف چند روز آینده میهمان حافظ اسد در دمشق خواهد بود . مصر نیز دو روز قبل روابط خود را با امریکا پس از ۶ سال مجددا برقرار کرد . امریکا به اسرائیل علیه مصر کمک نمود و مصر روابط خود را با امریکا برقرار کرد ؛ و اینها دقیقا در همان چیتی است که ذکر کردیم . قدرت یافتن ساداتها و اسدها دست آنها را در سازش باز خواهد گذاشت .

امروزه فشار بسیار عظیمی بر روی نیروهای مترقی عرب بخصوص نیروهای پیگیر و آگاه فلسطین است و خطر برای انقلاب فلسطین بصورتی از همیشه جدی تر شده و مسئله برای آنها بصورت حیاتی و ممانی در آمده است . دول عربی میکوشند که توافق فلسطینی ها را با طرح کی سینگر جلب کنند

بقیه در صفحه ۴

بقیه - اخبار

آیت الله خمینی و بخش رساله‌های ایشان ، بازداشت شده و محاکمه‌ای فرمایشی برایش تشکیل داده‌اند .

★ آقای خسرو مورین دانشجوی سابق در فرانسه ، پس از مراجعت بایران در مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه مشغول بکار شد . اخیراوی را بجرم فعالیت در کنگره‌اساسیون دانشجویان ایرانی ، پس از سه ماه بازداشت ، به دو سال زندان محکوم ساخته‌اند .

★ آقای مدرسی زاده دانشجوی رشته ماشین در آلمان که برای دیپلار خانواده خود بایران رفته بود ، هنگام مسافرت از مشهد بهترین دستگیر شده است . ولی مهم است که اعلامیه سیاسی باخود حمل میکرده است .

★ آقای مالک دانشجوی حقوق سیاسی دانشگاه تهران را بجرم همکاری در مصادره یک ماشین پلی کبی در یکی از دبیرستانهای کرج ، چندین ماه است که بدون محاکمه در زندان نگهداشته‌اند .

★ دانشکده فنی تهران در مهرماه ۵۲ در اعتصاب بوده است . و همچنین کارگران پالایشگاه نفت آبادان نیز در اوایل مهرماه بخاطر دستمزد اضافی دستبست باعتصاب زدند و رژیم که کوشش میکرد در روز اول اعتصاب را درهم شکند ، در کار خود موفق نشد .

★ در کارخانه کشش ملی بعد از اعتصابهای پیاپی ظاهرا کارخانه به دولت واگذار شده است .

در نتیجه این اعتصابات و واگذاری این کارخانه به دولت یک سرهنگ ارتش را بریاست کارخانه منصوب مینمایند . کارگران به اعتصاب های خود ادامه داده و خواستار آزادی دوستان خود و اضافه دستمزد میشوند . سرهنگ مزدور در روزیکه کارگران در کارخانه جمع شده و بسر کار نرفته بودند آنها را جمع نموده و سخنرانی مینماید ، در ضمن سخنرانی میگوید : « بسر شاهنشاه سرنگند که از این چیز بزرگتر وجود ندارد ، اگر بر سر کار بروید ده در صد اضافه دستمزد را ایسرا شما خواهیم گرفت » . در روز ۱۶/۴/۵۲ کارگران بسر کار میروند بعد از چند روزکار خبری از ده در صد نمیشود . مجددا به اعتصاب خود ادامه می دهند . صبح روز سوم سرهنگ مزبور با چند کامیون پر از سرباز و ژاندارم مسلح به کارخانه آمده و پس از استقرار مسلسل شروع به سخنرانی کرده

و میگوید : « دوستدارم بسر کار شوید » . و اشاره به مسلسل کرده و میافزاید : « کاروانسراستی را در اینجا براه میاندازم . ولی چون بسر شاهنشاه قسم خورده ام اگر بسر کار خرد بروید ، ده درصد اضافه را عهدهی خواهم نمود » .

★ از سال ۱۳۵۲ کارخانه آریا تبدیل به شورلت شده است پس از این جریان اعتصابهای کارگری در کارخانه آریا و شاهین قدیم و شورلت جدید نیز رویفروزی بوده است . از قرار معلوم بعد از تبدیل آریا به شورلت گرداندگی این کارخانه نیز بعهده امریکائیا محال شده است . بدنبال اعتصابهای متعدد ، از جالب کارخانه و رژیم به کارگرهای متخصص گفته شده بود در صورت همکاری

مردمانی - بیشتری نسبت شما خواهد شد . در اعتصابهای متعدد که کارگران را با وعده و وعید بسر کار فرستاده بودند ، در آخرین اعتصاب بین کارگران و گرداندندگان آمریکائی درگیری پیش آمده و در نتیجه منجر به کتک خوردن یک امریکائی میشود که رژیم سر و صدایش را در نیابورده و اصلا بیگیری برای یافتن ضاربین ننموده است ، مثل اینکه

و پنج در صد به حقوق کلیه کارگران افزوده شده است . ولی رژیم بعد از سرکار رفتن کارگرها شروع به اخراج عده‌ای از کارگران نمود بطوریکه از یک گروه ۷۰۰ نفری ۱۲۵ نفر را اخراج کرده است .

رژیم کوشش میکند که هشتبیلیاری طبقاتی کارگران به دیگر کارگران منتقل نشود . شرکت گاز - چندی پیش گارد کارمندان شرکت گاز در تمام انارات بخاطر بیست و چهار ساعته شدن خدمتشان اعتصاب کردند عده‌ی از آنها را که در برابر تهدید مقامات مقاومت کرده بودند سر بازی اعزام داشتند .

★ کارگران شرکت گاز برای طلب دستمزد بیشتر و پس از صرف غذا نیمساعت دیرتر بسرکار خود رفتند و قرار شد روز بعد ایا کار را بیک ساعت افزایش دهند ، عصر همانروز نماینده کارگران در جلوی منزلش دستگیر و با او گفته میشود که در صورت شرفتن کارگران بسرکار مورد فشار قرار میگیرد ، ضمنا به او وعده داده میشود که تا پانزده روز دیگر به وضع

آنان رسیدگی شود . (تیرماه ۱۳۵۲) . کارخانه ارج - در نیمه دوم تیرماه حدود ده نفر از کارگران کارخانه ارج توسط ساواک دستگیر و تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفته‌اند .

★ اواخر تیرماه چند نفر مجروح را به بیمارستان فیروزآبادی آورده‌اند ، آنها روستائی بوده و در اثر تیراندازی زخمی شده اند . شایع است که با ژاندارما درگیری داشته‌اند . علت واقعه هنوز روشن نیست .

★ ساختمان گارد دانشگاه صنعتی تانکون خارج از دانشگاه و جنب آن بوده است ، والی در ساختمانهای جدید دانشگاه ساختمانی در محیط خود دانشگاه را هم برای گارد در نظر گرفته‌اند .

چندی قبیل رئیس گارد دانشگاه صنعتی دانشجویی را خواسته و باو میگوید از تو گزارشهایی بیا رسیده مراضب خودت باش . بعد از این جریان از دانشجوی مزبور خبری نیست (وی سابقه داشته) شایع است که وی را پس از رفتن به شهرستان دستگیر نموده اند . از جریان فوق استقلال عمل گارد دانشگاه و اختیاراتش در بش دانشجویان و دانشگاهیان مشخص میشود .

★ بین ساعت نه تا یازده شب (۲۶/۴/۵۲) در سه راه امین حضور به موتورسواری ایست میدهند ، وی فرار میکند . چند نفر عابری در اثر تیراندازی پلیس از ناحیه پا مجروح میشوند . موتور سوار در نزدیکیهای آهنگل دستگیر میشود ، او مسلح بوده است .

★ شایع است که در اوایل مرد ادامه سال جاری دو زندان مشهد یک سروان شهرپانی که برای سخنرانی رفته بوده توسط زندانیان سیاسی خفه شده . بدین ترتیب که هنگام سخنرانی زندانیان میگویند جناب سروان بیا جلوتر تا صدایت را بهتر بشنوم . سپس چندین نفر او را خفه میکنند .

توجه

اخیرا جزوهای در مورد افرادی از جبهه ملی سوم در یاریس ، با مضاعف « طرفداران جبهه ملی در خاور میانه » منتشر شده است . لظایر نظر ما در مورد چاپ این جزوه ضروری است . چه ما از وجود چنین طرفدارانی بی اطلاعیم و نیز با وجودی که همیشه امکان تماس با ما بوده است ، بدون دادن اطلاع قبلی ، چاپ این مطلب را به چیزی جز سوء استفاده مفرضانه از نام جبهه ملی در خاور میانه

بقیه - جنگ محدود

و یا الااقل آنها را وادار به سکوت کنند . چه اگر خلق فلسطین توافق کند ، چه سازشکار دول عربی برملا نخواهد شد . در این مورد وعده و وعیدها و بخصوص پیشنهاد تشکیل دولت فلسطین از عواملی هستند که میتواند روی عناصر متزلزل و بینابینی اثر واقع شوند . برای این عناصر مسئله فقط دو سطح رهائی ملی مطرح است و اثری را که مسئله فلسطین در سطح کل جنبش عرب بعنوان انگیزه‌ای برای مبارزهای که دیر یا زود جهت طبقاتی آن روشنتر میشد داشت نمی بینند و یا آنها در جهت منافع خود نمیدانند . برای عناصر آگاه خلق عرب ، فلسطین نه تنها بعنوان زمینی که توسط بیگانه اشغال شده بود مسئله مهمی را تشکیل میدهد بلکه بعنوان یکی از محورهای مهم برای بسیج ضد امپریالیستی و ضد کابینالیستی همه مردم عرب بود .

آنها بدروستی از انگیزه فلسطین برای نشان دادن ماهیت واقعی امپریالیسم استفاده میکردند و در جهت برچود آوردن این آگاهی که امپریالیسم چیزی جز مرحله نهائی سرمایه داری نیست و بنابر این برای مبارزه با آن باید با سرمایه داری مبارزه کرد و نتیجتا اعتلاء دید طبقاتی در میان مردم استفاده میکردند . ولی اینها برای عده‌ای از رهبران فلسطینی قبیل پذیرش نیستند ، چه آنها فقط میخواهند در محدوده یک جنگ ملی باقی بمانند و بنابر این اگر قسمتی از وطنشان را به آنها برگردانند قضیه را خاتمه یافته میدانند . هدف آنها چیزی جز وجود آوردن دولتی مانند سایر دول عرب مجاور نیست در اینجااست که همه نوع فشار بر نیروهای واقعا انقلابی وارد می آید . سعی میشود که آنها را افراطی جلوه دهند ، منفرد کنند و بکوبند و از بین ببرند .

آلتیه اگر نیروهای انقلابی نتوانند حرکت شدید در میان همه مردم عرب بنفع خود برچود آورند ، مخالفت آنها با طرح کی‌سینگر ممکن است بقیمت انهدام سازمانهای آنها تمام شود . دول عربی که اکنون خود را بعنوان قهرمان جا میزنند مشکلات کمتری برای محدود کردن آنها خواهند داشت . ولی اگر چاره بین تسلیم و بقاء در سطح نازل و یا مبارزه و تحمل فشار و محدودیت ، زننده نگاه داشتن انگیزه فلسطین در میان خلق عرب باشد ، بسیج انقلابی واقعی از راه دوم عدول نخواهد کرد .

انقلابیون عرب خواهند کوشید که طرح کی‌سینگر را در جبهه طرح راجرز دفن کنند . این کاری مشکل و خطیر است ولی انقلاب هیچگاه آسان نبوده است .

بقیه - اعلامیه مجاهدین

در ساختمان عظیم جامعه آزاد و فارغ از رنج برده‌گی و بهره کشی و جامعه مستقل و سرفراز ایران شرکت کنید . خلق ما هرگز خاطره خدمتگزاران صادق و شجاع خود را از یاد نخواهد برد . این آخرین پیامی است که مجاهد دلیر ستوان احمدیان خطاب به افسران و درجه داران شرافتمند و آزادبخواه در دفتر یادداشت زندان نوشت : « میدانم راهی که من انتخاب کرده‌ام آینده‌اش مرگ است اما من میروم و این لباس ننگین را ترک میگویم تا دیگر گرسنگان گرسنه نمانند » .

درد خلق ایران به مجاهد دلیر امیر حسین احمدیان که ننگ پلیس شاه بودن را تحمل نکرد . گرامی باد خاطره افسران و درجه داران و سربازان شهید ارتش که بخاطر میهن پرستی بدست شاه خائن تیرباران شدند .

برافراشته باد پرچم مقاومت در مقابل دیکتاتوری شاه و غارت و تجاوز امپریالیسم آمریکا و انگلیس و صهیونسم در ایران .

باختر امروز

بقیه - اعلامیه مجاهدین

کننده برای دشمن و با تعویض اتومبیل خود در ساعت شش و ده دقیقه صبح همین روز به سلامت به تهران رسیده و اندکی بعد در پناهگاههای خود جای بگیرند.

دشمن که از هوشیاری و دقت عمل انقلابیون و ضربه ای که از درون صفوف خود توسط این انسر شجاع خورده بود و گیج و وحشتزده شده بود به تلاش مذبذبه ای دست زد و با بسیج کلیه نیروهای ارتش محل و ژاندارمری و پلیس و ساواک و آگاهی کوشید که ردپای آن انقلابیون فراری پدست آورد. اما کافی است همینقدر گفته شود که حتی اتومبیلی که در صبح همان روز یعنی شنبه ۱۵ اردیبهشت در خیابان خورشید و مخصوص در همان محلی که شهید مهدی رضائی، مجاهد ۱۹ ساله یکی از افسران ساواک را بهلاکت رساند، رها شده بود بعد از ۴ روز کشف گردید. در حالیکه بفرمان مقامات پست و پیشرم دربار و ارتش و شهرپای و ساواک، میبایستی ظرف دو روز پیگیری، این افسر خائن به شاه و اربابانش و خدمتگزار واقعی و شجاع خلق مستعبدانه اش پدست جلا داده شود تا حتما بزودی تیرباران گردد و مقامات ضد امنیتی ادعا کنند که پادستگاه اهریمنی شاه نمیتوان در افتاد. اما این بار هم مثل دفعات گذشته این آرزو در لسان خشکید. در این عملیات، انقلابیون تعداد ۲۰ قبضه سلاح کمری از نوع « اسپرینگ فیلد » امریکائی و ۹۰۰ تیر فشنگ ۲۸٪ اینچ که دشمن بخصوص برای کشتار فرزندان انقلابی خلق، قویترین آنرا از اربابان امریکائیش تحویل گرفته بود، و یکدستگاه بیسیم ساخت متجاوزین اسرائیلی و مقادیری غل و زنجیر مخصوص بستن دست و پای اسراء و مقادیری مدارک اطلاعاتی دشمن بفتح نیروهای انقلابی مصادره کردند.

عملیات پیروزمندانه در ساری رعشه بر اندام رژیم جنایتکار شاه افکنده است. این عملیات بار دیگر تصمیم و اراده خلل ناپذیر خلق و پیشگامانش را در ادامه مبارزه تا پیروزی نهائی بر علیه امپریالیسم امریکا و انگلیس و صهیونیسم و رژیم سلطنتی پلید و فاسد ایران نشان میدهد. نتایج درخشانی که این پیروزی بهمراه داشته است بطور خلاصه چنین است:

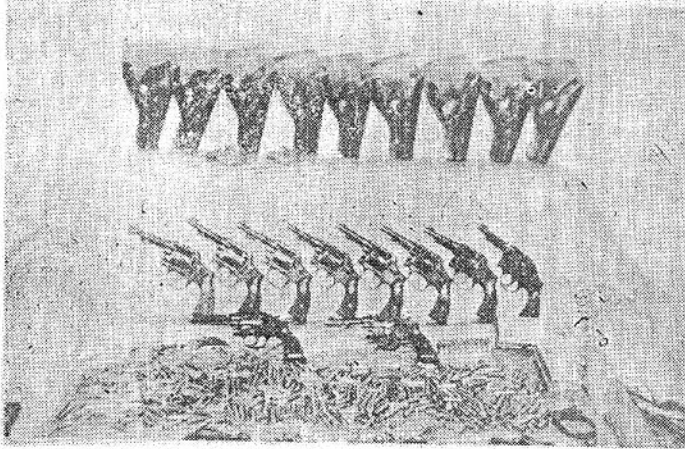
الف - دولت آن انقلابیون با انبوهی تجربه آزاد شدند و هریک به صفوف برادران انقلابی مسلح خود پیوستند.

ب - پیوند افسر دلیر و آزادیخواه پلیس ستوان یک احمدیان بصرف مجاهدین خلق نشان میدهد که:

۱ - انقلاب مسلحانه و حق طلبانه خلق ما جبهه نوینی در قلب دشمن، ارتش و نیروهای مسلح دولتی علیه رژیم خونخوار شاه و اربابان امریکائی و انگلیسیس باز کرده است.

۲ - در اثر اوجگیری عملیات انقلابی و باروشن شدن ماهیت جنایتکارانه و خائنه رژیم شاه، تضادها و تناقضات داخلی دشمن روبه رشد بوده و سازمان درونی دشمن بعزت ماهیت ضد انقلابی بوسیدگی ذاتی رو به تلاشی میرود و بی اعتمادی و ترس شدت بر دشمن حاکم شده است.

۳ - این عمل چراغ نااهنما و نقطه حرکتی است برای کلیه افراد شریف و آزادیخواه نیروهای مسلح که به نقش جنایتکارانه و ضد انسانی پلیس و ارتش در حمایت از منافع غارتگران خارجی آگاهی کامل



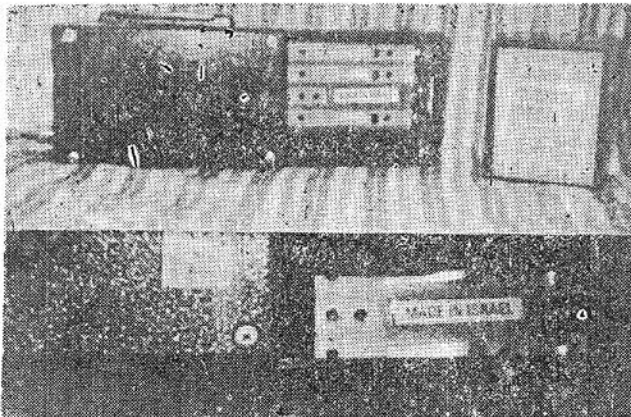
مغزی را متلاشی میکنیم که دائما در اندیشه کشتار و استعمار خلق ما میانشد.

۵ - این عمل همچنین پوچ بودن کلیه ادعاهای رژیم زبون و دروغپرداز را در زمینه جادویی نشان دادن دستگاههای اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی ساواک و شهرداری بر ملا ساخت زیرا که فراد تحت شدیدترین سیستمهای پلیسی و در میان انبوهی از همین عناصر اطلاعاتی و در مدت چهار ماه تدارک با پیروزی کامل بانجام رسید.

۶ - مصادره مقادیر معتناهی اسلحه و مهمات جنگی از دشمن بفتح نیروهای انقلابی یک پیروزی نظامی چشمگیر بود که دشمن را بهرامس انداخته و ضربات روانی - نظامی بزرگی بر او وارد ساخته است. متقابلا این سلاحها قدرت آتش ما را افزایش داده و اراده ما را به پیروزی بر دشمن توان میبخشد. اینکه ما امروز با همان اسلحه دشمن، با خود او میجنگیم، مرحله نوینی است در

یافتهاند و بنا به شرافت انسانی و علاقه به آزادی مین، همواره در جستجوی وسیله برای مبارزه علیه رژیم خائن و آدمکش شاهاند. بیوستن این افسر آزادیخواه نشان داد که نیروهای مسلح قادرند چه ضربات هولناکی بر پیکر رژیم وارد سازند و متقابلا چه خدماتی به جنبش آزادیبخش خلق خویش بنمایند.

۴ - جا گرفتن این افسر شریف در کنار ما بعنوان یک برادر مجاهد نشان داد که علیرغم همه تبلیغات اهریمنی رژیم هیچگونه دشمنی بین فرزندان انقلابی خلق با برادرانشان در ارتش و سایر نیروهای مسلح رژیم یعنی سربازان، پاسپانان، درجه داران و افسران که همه خود در زیر ستم و سلطه امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی در معرض توهین و پایمال شدن شرافت انسانی قرار گرفتهاند، وجود ندارد و تمام توطئههای خونین دشمن به تشویق افسران و درجه داران شریف ارتش و



شهرداری در کشتن برادران و خواهران انقلابیشان کله جان خود را در راه آزادی و استقلال مردم مستعبدانه گذاشته اند بر اثر خواهد ماند. عمل این آزادیخواه و وطن پرست نشان داد که همه تلاشهای دشمن در ایجاد دشمنی و برادرکشی بین فرزندان انقلابی خلق و افسران و درجه داران شریف به شکست انجامیده است. همچنین نشان داد که مبارزه ما تنها علیه امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و صهیونیستی و دستشانندگان قاتل و منفور آنها - دربار و طبقه حاکمه فاسد و در رأس همه آنها جنایتکار - است و همه تلاشهای شیدان جنایتکار رژیم که سعی دارند وانمود کنند که گویا ما با افراد مستعبد و شریف نیروهای مسلح از افسر و درجه دار او پاسبان و سرباز که بوسیله همین رژیم نوکران بیگانه کشیده شدهاند سرچنگ داریم. ما از ابتدا نیز اعلام کرده ایم که تنها سینه های را سوراخ میکنیم که سینه برادران انقلابی و خلق مستعبدانه ما را نشان رفته و سوراخ میکند، و تنها

جنگ روانی با دشمن. دشمن که همواره به قدرت سلاحهای خویش مینازد و خلق را می ترساند امروز باید از قدرت سلاحهای خودش در دست انقلابیون در هراس باشد.

افسران، درجه داران و سربازان شریف و

آزاده ایرانی!

دشمن قصد دارد با فریفتن شما بوسیله وعده و وعیدهای ننگین، با پول، پادرجه، باخانه و بهای کشتن شخصیت، عزت نفس و حیثیت انسانی شما، دستتان را بخون خواهران و برادران انقلابیان آغشته سازد یعنی بخون کسانی که در زیر سیاهترین دیکتاتورهای مزدوران بیگانه پرعلیه استبداد و سلطه آنان میجنگند.

برادران شرافتمند، در مقابل توطئه های ناجوانمردانه رژیم آدمکش و مزدور شاه مقاومت کنید و راه افتخارآمیزی را که ستوان احمدیان، افسر شجاع پلیس گشود ادامه دهید و با کمک - هرچند کوچک - به برادران انقلابی و مسلح خود

بقیه در صفحه ۲

ظفر مند باد جنک عادلانه خلق